

یک گنج و صدها گنجینه

(کتاب‌شناسی حدیث «کنز مخفی»)

«کنت کنزاً مخفياً، فأحببت أن أعرف، فخلقت الخلق، لأعرف»

پرویز رستگار

اشاره

حدیث «کنز مخفی» از شناخته شده‌ترین احادیث به کار گرفته شده در متون اهل تصوف و ذوق و اشاره است که از توجه تلاشگران عرصه حدیث و تفسیر و دیگران نیز برکنار نمانده است. این مقاله درصدد کتاب‌شناسی این حدیث - براساس توالی و ترتیب تاریخی درگذشت پدیدآورندگان عرصه‌های یاد شده - است.

درآمد

اندیشه در رخدادهای ریز و درشت محیطی که ما را دربر گرفته، همواره دغدغه دیرپای اندک کسانی بوده است که ناهمگون با توده انبوه مردم پیرامون خویش، تکرار و چندین و چند بارگی رویدادها، آنان را در کمند خون‌سردی و بی‌تفاوتی از کنار حادثه‌ها گذشتن، گرفتار نمی‌کند و فکر جوّال و ذهن وقّادشان یک روند و خستگی‌ناپذیر در کمین کشف مجهولات و تحلیل مکررات زندگی است، تا از سقوط ساده‌سیبی از شاخه درختی در گوشه‌ای از این جهان پهناور، به قانونی پر سر و صدا و تأثیرگذار بر تمدن و تحولات علمی بشر - به نام «قانون جاذبه عمومی جهان» - پی ببرد!

با این همه، آنچه می‌تواند تاروپود زیربنایی‌ترین تلاشهای تاریخ اندیشه بشری را سامان دهد و نشانگر بالاترین نوسانات درنگهای آدمی در اوج‌گیری تا ستیغ رشته‌کوههای خردورزی و فرو شدن به ژرفاهای ناپیدای اقیانوس خردمندی باشد، دغدغه اندیشه در خاستگاه حیات و پیدا کردن ایستگاه آغازین آفرینش است.

البته، اصناف متعدد و متنوع اهل تحقیق و دسته‌های گوناگون دانشور و پژوهشگر، هر یک به فراخور حال و مذاق فکری و مکتب مطلوب خود، از زوایای جورواجور و با افقها و دورنماهای رنگارنگ کوشیده‌اند مشعلهایی افروخته فراهم آورده و افراخته کنند تا با گامهایی لرزان، بدین نقطه تاریک دخمه و هم‌آلود و خیال‌برانگیز هستی راهی ببرند که اهل تصوف و یا - به مدد سهل‌انگاری و سهل‌گیری‌ای در خور توجه! - عرفا یکی از این درگیرشدگان با این پرسش همچنان بی‌پاسخ‌اند!

با اوج‌گیری و پیشرفت فتوحات مسلمانان در مرزهای شمال شرق جهان آن روز اسلام، سرزمینهایی که امروزه پس از فروپاشی شوروی، آسیای میانه را می‌سازند، به دست پیروان اسلام افتادند و افزون بر فرمان راندن اینان بر قطعاتی از جغرافیای آن روز کره‌خاکی زمین، حجم انبوهی از تاریخ و آداب و سنن مردم آن سرزمینها نیز به درون جهان اسلام و خانواده‌های مسلمان راه یافت.

اندیشه تصوف که روزگاری شهر بلخ از مراکز عمده و نقطه وارد کردن این کالای فرهنگی از شرق دور و از سرزمینهای تحت سلطه تعلیمات کنفوسیوس و بودا و نیز پایگاهی برای صدور آن به کشورهای غرب آسیا بود، یکی از سوغاتهای همین کشورگشاییها به شمار می‌آید. این اندیشه - چونان دیگر فرهنگهای وارداتی، از جمله، فلسفه مغرب زمین و یونان - ناگزیر بود در کنشها و واکنشهای خود با پارامترهای پر شماری که فضای سرزمینهای اسلامی و گرایشها و گریزهای شهروندان مسلمان، آنها را بدان تحمیل می‌کرد، دگردیسی یابد و کم‌کم رنگ و پسوند «اسلامی» به خود بگیرد!

بدین ترتیب، تصوف، اندک اندک از شکل بسیط و بی‌پیرایه نخستین خود که بیش از هر چیز، در «شور» و «وجد» و «جذب» و «حال» بازتاب می‌یافت، خواه‌ناخواه به سوی دنیای پر هیاهو و دل‌آزار «قیل و قال مدرسه»ها و سنگلاخ استدلالها و مشاجرات و مستند سازیها کشیده شد و به اصطلاح، «متفلسف» گردید.^۱

تصوف که دیگر اینک «اسلامی» شده بود، باید برای هر چه بیشتر پذیرفتنی جلوه کردن و نیز ایستادگی در برابر امواج کوه‌بیکر حساسیتها و انتقادهایی که از سوی مخالفان و منتقدان آن برمی‌خاست و از اهالی «عرف خاص» که در نقطه‌های بالایی هرم جامعه جا داشتند، به بدنه و قاعده آن که «عرف عام» و «عوام» نامیده می‌شدند، تزریق می‌شد، به سلاح استدلال و برهان و عقل - همان عقلی که آن را در راه عشق، نابینا، دارای پایی چوبین و سزاوار جایگاه و سلیقه بوعلی سینایش می‌خواند!^۲ - مسلح و پشتگرم می‌شد و چه دلیلی بهتر از حدیث رسول خدا(ص) و یا گفته‌های دیگر چهره‌هایی که به هر تقدیر، مسلمانان آنان را «معصوم» یا «عادل» و یا «حجت» می‌دانستند و مضمون سخنانشان یا آنچه را بدیشان منسوب می‌شد، گرامی و ارجمند می‌شمردند. از همین رهگذر بود که حدیث «کنز مخفی» کم‌کم به گوشه‌ها رسید و چونان حدیث متواتر که نزد اهالی کوی اجتهاد، فوق‌العاده عزیز و گرامی است، یک مستند پر هواخواه در میان صوفیان شد.^۳

۱- حدیث «کنز مخفی» در آثار اهل تصوف و ذوق و اشاره

در سال ۶۱۵ هجری، در نتیجه فتوحات «جوجی» [فرزند چنگیزخان]، امپراتوری چنگیزخان در مغرب، با قلمرو [و] خاک خوارزمشاه همسایه شد. در آن سال، چنگیز سه تن از اتباع مسلمان خود را که هدایایی نیز همراه داشتند، نزد خوارزمشاه که در بخارا بود، اعزام داشت... و چنانچه حادثه فلاکت‌باری در اترار (کنار رود سیحون) به وقوع نمی‌پیوست، احتمال می‌رفت که مناسبات او با سردار بزرگ مغول، از هر حیث خوب می‌شد...^۴

چنگیز خان علاوه بر اعزام نمایندگان خود نزد محمد خوارزمشاه، جمعی از بازرگانان را نیز رهسپار ماوراءالنهر کرد. هنگامی که این بازرگانان به اترار رسیدند، اینالچوق، معروف به غایرخان، فرماندار آن ناحیه، نه تنها اموال ایشان را توقیف نمود، بلکه این مردان بیچاره را دستگیر کرده و جملگی را به استثنای یک نفر که توانست به هر ترتیبی [که] بود، فرار کرده و چنگیزخان را از واقعه مطلع سازد، به هلاکت رسانید...^۵

طبیعی است، هنگامی که چنگیزخان خیر این تجاوز را شنید، نخست سخت برآشفته و فوراً از سلطان محمد خوارزمشاه خواست که اینالچوق را تسلیم نماید، ولی سلطان محمد خوارزمشاه به تقاضای او اعتنایی نکرد و فرستاده‌اش را به قتل رسانید و بدین ترتیب، وقوع جنگ را اجتناب‌ناپذیر ساخت.^۶

به دنبال شعله‌ور شدن شعله‌های این جنگ خانمان‌سوز بود که سپاهیان سیل‌آسای مغول، از مرزهای شمال شرق قلمرو خوارزمشاهیان، به سوی ایران زمین تاختند و در ربیع‌الاول سال ۶۱۸ قمری، به خوارزم یورش آورده، بخارا را با خاک یکسان کردند.^۷ در این نبرد نابرابر، یک دانشمند بزرگ شافعی که محدث و نیز مفسر قرآن کریم در ضمن دوازده جلد بود، بی‌آن که صحنهٔ پیکار را ترک گوید، رویاروی مغولان شتافت و در دههٔ هشتاد از سالهای زندگی خود، کشته شد؛^۸ شیخ نجم‌الدین کبری، احمد بن عمر بن محمد خوارزمی خیوقی.^۹

به گفتهٔ یکی از پژوهشگران معاصر، به نظر می‌آید، شیخ نجم‌الدین کبری که در دههٔ دوم سدهٔ هفتم هجری قمری جان سپرد، نخستین کسی باشد که دربارهٔ حدیث «کنز مخفی» سخن گفته است.^{۱۰}

سپس، چهرهٔ جنجالی و پر سر و صدای عالم تصوف، شیخ محیی‌الدین بن عربی که بیست سال پس از کشته شدن شیخ نجم‌الدین کبری، در سال ۶۳۸ قمری درگذشت،^{۱۱} آن را تفسیر کرد^{۱۲} و از این پس بود که این حدیث که خداوند را با هدف شناساندن آفریدگار هستی و از زبان خود او، گنجی پنهان می‌خواند که دوست داشت شناخته شود و از همین روی، آفریدگان را از تاریکیهای عدم به روشنایی وجود آورد، به جهان نوشته‌های انبوه اهل تصوف و ذوق و اشاره راه یافت و آن را این کسان از آنان، در کنار پذیرش بی‌چون و چرای حدیث و برکنار از هرگونه دودلی، دست‌مایهٔ ادعاها و استدلالهای خود کردند:

۱-۱- شیخ نجم‌الدین کبری (درگذشته ۶۱۸ قمری)، جدا از آنچه تاکنون گفته شد، در یکی از نوشته‌های خود، در کنار «حدیث قدسی» خواندن حدیث «کنز مخفی»، آن را چنین گزارش کرده است: «كنت كنزاً مخفياً، فأحببت أن أعرف، فخلقت الخلق، لأعرف».^{۱۲}

۱-۲- محیی‌الدین بن عربی (درگذشته ۶۳۸ قمری) نیز جدا از آنچه تاکنون گفتیم، در چندین اثر خود، گاه به اشاره و بدون اظهارنظری درباره حدیث «کنز مخفی»^{۱۳} و گاه با نسبت دادن آن به خدای متعال^{۱۵} و سرانجام، گاه نیز با اسناد آن به رسول خدا(ص)،^{۱۶} از آن سخن گفته است.

۱-۳- شمس تبریزی، مرد نامی و پر آوازه دنیای گرایشهای صوفیانه که در سالهای پس از ۶۴۵ قمری درگذشت،^{۱۷} در یکی از نوشته‌های خود، به پاره‌ای از حدیث «کنز مخفی» اشاره کرده و بیش از این، چیزی درباره آن، نگفته است.^{۱۸}

۱-۴- نجم‌الدین رازی که در سال ۶۵۴ قمری جان سپرد،^{۱۹} حدیث مورد بحث را بخشی از گفت‌وگوهای خداوند متعال با حضرت داوود(ع) و نیز پاسخ او به پرسش این پیامبر درباره چرایی آفرینش آفریده‌ها دانسته است، نه یک حدیث نبوی.^{۲۰}

۱-۵- جلال‌الدین رومی، معروف به مولوی که سراینده‌ای بی‌نیاز از هرگونه شناساندن و سخن‌سرایی کردن بدین منظور و درگذشته سال ۶۷۲ قمری است،^{۲۱} در یکی از آثار منشور خود، دوبار از بخشی از حدیث محور بحث، سخن گفته است؛ یک بار آن را سخن «حق جل جلاله» خطاب به حضرت موسی(ع) دانسته^{۲۲} و دیگر بار شتابان و با اشاره از کنارش گذشته است.^{۲۳}

وی، همچنین، در دو جای دیوان بزرگ و جاودانه خود، مثنوی معنوی، مضمون حدیث «کنز مخفی» را در قالب شعر ریخته است:

گنج مخفی بُد زپُری چاک کرد خاک را تابان‌تر از افلاک کرد

گنج مخفی بُد زپُری جوش کرد خاک را سلطان اطلس‌پوش کرد^{۲۴}

یکی از دانشمندان بزرگ دهه‌های اخیر نیز در کنار گردآوری احادیث دیوان مثنوی مولوی، با اشاره - تنها - به نخستین بیت از دو بیت یاد شده،^{۲۵} مستند سروده مولوی را «حدیث قدسی»^۱ دانسته که بازتاب‌دهنده گفت‌وگوی حضرت داوود(ع) با خداوند متعال درباره چرایی آفرینش آفریدگان است.^{۲۶}

۱-۶- صدرالدین قونوی که یک‌سال پس از درگذشت مولوی، در سال ۶۷۳ قمری بدرود حیات گفت،^{۲۷} در مقام یکی از برجسته‌ترین شاگردان و شارحان آثار محیی‌الدین بن عربی نیز نمی‌توانسته است از سخنی صریح درباره حدیث «کنز مخفی» یا اشاره‌ای گذرا به آن، برکنار بماند؛ وی در یکی از آثار قرآنی خود که آن را به آهنگ تفسیر سوره حمد نگاشته است، دو بار با اشاره و اقتباس، پاره‌هایی از حدیث یاد شده را در لابه‌لای مندرجات کتاب خود آورده^{۲۸} و دو بار دیگر آشکارا آن را حدیث نامیده است.^{۲۹}

۱-۷- یکی از شاگردان قونوی، مؤیدالدین جندی که در سال ۶۹۰ یا ۷۰۰ قمری جان سپرده است،^{۳۰} در مقام شرح کتاب پر سر و صدای فصوص‌الحکم، حدیث «کنز مخفی» را در شمار «احادیث الهی» دانسته،

آن را در دو جای اثر خود، سخن خدای متعال خوانده است.^{۳۱} وی، همچنین، با اشاره به برخی تفاوت‌های موجود در تعابیر این حدیث،^{۳۲} قطعاتی از آن را در چهار جای این نوشته خود، یادآور شده است.^{۳۳}

۸-۱ ابوالمفاخر باخرزی که در سال ۷۳۶ قمری جان داد،^{۳۴} در یکی از نوشته‌های خود، اشاره‌ای گذرا به حدیث «کنز مخفی» داشته و افزون بر این، چیزی بر آن نیفزوده است.^{۳۵}

۹-۱ سید حیدر آملی که در سالهای پس از ۷۸۲ قمری بدرود حیات گفت،^{۳۶} شاید بیش از همه قلم به دستان و قدم‌برداران قلمرو مکتب ذوق و اشاره، در آثار خود، از حدیث «کنز مخفی» یاد کرده و بی‌پروا تر از همه، همه‌جا آن را «حدیث قدسی» و نیز فرموده خدای متعال دانسته است؛ وی در یک اثر تفسیری خود که در سه جلد، چاپ و منتشر شده، پنج بار حدیث مورد بحث را به بهانه‌های گوناگون، بازخوانی کرده و از آن برای اثبات ادعاهای خود، سود جسته است؛ در جلد نخست، زیر عنوان «الصور المعقولة فی ذهن الإنسان مثال لترسیم الخلق من الحقّ تعالی»،^{۳۷} در جلد دوم، زیر عنوان «فی أنّ التوحید إسقاط الإضافات»^{۳۸} و در جلد سوم، زیر عنوان‌های «فی أنّ غرض الأنبیاء وهدفهم إیصال الخلق إلى کمال المطلوب»،^{۳۹} «بیان المناسبة الموجبة للمحبّة بین الحقّ والخلق نقلاً»^{۴۰} و «حقیقة الصلاة والذکر والتسبیح».^{۴۱}

وی، همچنین، در دو اثر دیگر خود نیز به حدیث «کنز مخفی» استناد و در یکی از آنها، نه بار^{۴۲} و در دیگری، شش بار^{۴۳} حدیث مورد بحث را یادآوری کرده است!

۱۰-۱ صائِن الدین بن ترکه - در گذشته به سال ۸۳۵ قمری^{۴۴} - نیز یک بار به اشاره^{۴۵} و بار دیگر به صراحت،^{۴۶} از حدیث «کنز مخفی» یاد کرده و هر بار تنها به پاره‌ای از آن پرداخته است.

۱۱-۱ ابوبکر زین‌خوافی که در نیمه نخست سده نهم هجری بدرود حیات گفته است،^{۴۷} حدیث مورد بحث را پاسخ خداوند به پرسش حضرت داوود(ع) درباره چرایی آفرینش آفریدگان دانسته است.^{۴۸}

۱۲-۱ شیخ حافظ رجب برسی نیز که در نیمه نخست سده نهم هجری می‌زیست،^{۴۹} حدیث مورد بحث را سخن خدای متعال و در شمار «قدسیات» دانسته است.^{۵۰}

۱۳-۱ معین‌الدین فراهی هروی - در گذشته سال ۹۰۸ قمری^{۵۱} - دو بار و به گونه‌ای گذرا، تنها قطعه «کنت کنزاً مخفياً» را یادآوری کرده است.^{۵۲}

۱۴-۱ دهمدار شیرازی که در سال ۱۰۱۶ قمری رخ در نقاب خاک کشید،^{۵۳} یک بار به اشاره، تنها قطعه «فأحببت أنّ أعرف» را یادآوری کرده^{۵۴} و در دیگر بار، همین قطعه را «حدیث قدسی» نامیده است.^{۵۵}

۱۵-۱ میرزا لعل بیگ لعلی بدخشی که در گذشته سال ۱۰۲۲ قمری است،^{۵۶} تنها بخش «کنت کنزاً» را مورد اشاره قرار داده و بیش از این، چیزی بر آن نیفزوده است.^{۵۷}

۱۶-۱ سلطان محمد گنابادی که در سال ۱۳۲۷ قمری جان سپرد،^{۵۸} حدیث «کنز مخفی» را «حدیث قدسی» دانسته است.^{۵۹}

۲- حدیث «کنز مخفی» در آثار مفسران قرآن کریم

افزون بر آثاری که آنها را به رغم گنجانده شدنشان در حوزه قرآن پژوهی و تفسیر آن، به دلیل غلبه رنگ اشاری و ذوقی در آنها، زیر عنوان «آثار اهل تصوف و ذوق و اشاره» یاد کرده‌ایم، دیگر نوشته‌های قرآنی نیز - کم و بیش - به حدیث «کنز مخفی» پرداخته‌اند. کانون این یادآوریه‌ها، تفسیر آیه ۵۶ از سوره ذاریات است: [وما خلقت الجنّ والانسّ الاّ ليعبدون]. تفسیر این آیه شریفه، از آن‌جا که هدف خداوند متعال را از آفرینش آفریده‌های دارای شعور و طبعاً مکلف، عبادت و بندگی می‌داند و از سوی دیگر، برخی از مفسران پیشگام جهان تفسیر، عبادت و بندگی را در این‌جا، به عرفان و شناخت، تفسیر یا تأویل کرده‌اند، آمیخته با یادی گذرا یا درنگ‌آمیز از حدیث «کنز مخفی» نیز هست و بر همین اساس، این مفسران از حدیث یاد شده، یاد کرده‌اند:

۱-۲- فخر رازی که در گذشته سال ۶۰۶ قمری^{۶۰} و نیز معاصر و معاصر با شیخ نجم‌الدین کبری بود،^{۶۱} شاید نخستین مفسر بیرون از مکتب ذوق و اشاره باشد که از حدیث «کنز مخفی» یاد کرده است؛ وی در پایان تفسیر آیه ۵۶ از سوره ذاریات، در کنار بازگو کردن این احتمال که شاید معنای «لیعبدون»، «لیعرفونی» باشد، افزوده است که از رسول خدا(ص) روایت شده که از زبان خدای خود، فرموده است: «كنت كنزاً مخفياً، فأردت أن أعرف».^{۶۲}

۲-۲- آلوسی - در گذشته سال ۱۲۷۰ قمری^{۶۳} - به گونه‌ای گسترده‌تر از دیگر مفسران، حدیث موضوع بحث را محور سخنان خود قرار داده و به اشکالهای متوجه به آن، پاسخ داده است.^{۶۴}

البته، این سخن بدان معنا نیست که وی این حدیث را پذیرفته باشد و از همین‌رو، درباره چگونگی گزارش آن، به تبیین «وقد جاء» بسنده کرده^{۶۵} و افزوده است که اهل تصوف نیز به عدم ثبوت این حدیث براساس معیارهای اهل روایت و درایت، معترف‌اند.^{۶۶}

۳-۲- مراغی که مفسر در گذشته مصر در سال ۱۳۷۱ قمری است،^{۶۷} برای اثبات مدعای خود، به حدیث مورد بحث که آن را «حدیث قدسی» نیز می‌خواند، استناد می‌کند.^{۶۸}

۴-۲- مغنیه، مفسر معاصر لبنانی که در سالهای آغازین پس از انقلاب درگذشت، در لابه‌لای بحثهای تفسیری خود درباره آیه ۵۶ از سوره ذاریات، در کنار پاسخ به یک پرسش، حدیث «کنز مخفی» را یک «حدیث قدسی» دانسته، آن را با آنچه خود گفته و تفسیر کرده است، هماهنگ می‌شمارد.^{۶۹}

۵-۲- دکتر زحیلی، مفسر معاصر نیز در مقام تفسیر آیه یاد شده، با تعبیر «کماورد»، از حدیث «کنز مخفی» یاد کرده است.^{۷۰}

۳- حدیث «کنز مخفی» در آثار اهل حدیث

گویا نخستین کسی که در برابر حسن ظن اهل تصوف و پیروان مکتب ذوق و اشاره به حدیث «کنز مخفی» ایستاده و گرایش ژرف آنان را به آن، دست‌مایه نقدها و نقادیهای خود قرار داده است،

ابن تیمیه، دانشمند پر کار، خالق آثار متعدد و متنوع، صاحب‌نظر در علوم گوناگون، صریح و جنجالی نیمه دوم قرن هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری باشد.

وی که در مسیر - به گمان خود - پاسداری دین ناب از نشت و نفوذ اندیشه‌های بیگانه با آن، با پیروان گرایش‌های گوناگون دست و پنجه نرم کرد، با صوفیه و نیز با اندیشه‌های اهل اشاره و کشف هم درآویخت^{۷۱} و این رویکرد را شاگردان و وفاداران به مکتب او نیز در رابطه با صوفیان و تصوف، دنبال کردند.^{۷۲}

لز این پس بود که حدیث «کنز مخفی» نیز در کانون توجهات کسانی قرار گرفت که در زمینه احادیث مشهور و متداول یا موضوع و ضعیف کتاب نوشتند و بیشتر آنها هم موضع منفی‌ای را که ابن تیمیه در برابر این حدیث گرفته و آن را بی‌اساس خوانده بود، پذیرفتند و در پیش گرفتند؛ کسانی چون:

۱-۳- سخاوی که در گذشته سال ۹۰۲ قمری است،^{۷۳} پس از بیان متن حدیث مورد بحث، به گزارش واکنش ابن تیمیه و نیز زرکشی و ابن حجر عسقلانی - به دنبال او که حدیث «کنز مخفی» را بی‌پایه و بدون سند برشمرده و آن را سخن رسول خدا(ص) ندانسته - بسنده کرده است.^{۷۴}

۲-۳- سمهودی که در سال ۹۱۱ قمری جان سپرد،^{۷۵} با بسنده کردن به سخن ابن تیمیه، حدیث مورد بحث را بی‌ریشه و اساس دانسته است.^{۷۶}

۳-۳- سیوطی که او نیز در گذشته سال ۹۱۱ قمری است،^{۷۷} بی‌آن که سخن کسی را گزارش کند، حدیث «کنز مخفی» را بی‌پایه خوانده است.^{۷۸}

۴-۳- شیبانی شافعی که در سال ۹۴۴ قمری جان سپرد،^{۷۹} تنها به بیان موضعگیری منفی ابن تیمیه و پذیرش آن از سوی زرکشی و ابن حجر عسقلانی، بسنده کرده است.^{۸۰}

۵-۳- ابن طولون صالحی که جان سپرده سال ۹۵۳ قمری است،^{۸۱} همان واکنشی را در برابر حدیث «کنز مخفی» از خود نشان داده است که در ردیف پیشین گذشت!^{۸۲}

۶-۳- کنانی که جان باخته سال ۹۶۳ قمری است،^{۸۳} پس از بیان متن حدیث محور بحث، به گزارش ابن تیمیه دایر بر ساختگی بودن آن، بسنده کرده است.^{۸۴}

۷-۳- قاری در گذشته، سال ۱۰۱۴ قمری،^{۸۵} پس از گزارش واکنش ابن تیمیه و پذیرش آن از سوی زرکشی و ابن حجر عسقلانی،^{۸۶} متن و محتوای حدیث مورد بحث را درست و پذیرفتنی خوانده است و آن را قابل برداشت از آیه ۵۶ از سوره ذاریات دانسته، در این مسیر، به تفسیر گزارش شده از ابن عباس، استناد کرده است.^{۸۷}

البته، مصحح کتاب دانشمند یاد شده و نویسنده پانوشتهای آن، آقای محمد بن لطفی صباغ، از پذیرفتنی دانستن متن و محتوای حدیث مورد بحث از سوی ملا علی قاری، دچار شگفتی شده و آن را با صفات خدای متعال، متعارض و آشتی‌ناپذیر دانسته است.

وی، همچنین، تفسیری را که بسیاری از مفسران هنگام پرداختن به آیه ۵۶ از سوره ذاریات، به ابن عباس نسبت می‌دهند، شایسته درنگ و کاوش بیشتری برشمرده است.^{۸۸}

۳-۸- عجلونی که در سال ۱۱۶۲ قمری جان سپرد،^{۸۹} همان واکنش یاد شده در ردیف پیشین را از خود نشان داده^{۹۰} و آن‌گاه در کنار گزارش سخن ملا علی قاری و تعبیر مشهوری که از حدیث «کنز مخفی» بر سر زبانهاست، حدیث موضوع بحث را دارای کاربری فراوانی در میان صوفیه دانسته، آن را پایه و ستون اندیشه‌های آنان برشمرده است.^{۹۱}

۳-۹- سید عبدالله شبر که محدث درگذشته شیعی مذهب در سال ۱۲۴۲ قمری است،^{۹۲} تنها کسی است که در میان آفرینندگان آثار حدیثی، به حدیث «کنز مخفی» روی خوش نشان داده، آن را «حدیث قدسی» دانسته است.^{۹۳}

وی، همچنین، به یک اشکال وارد بر متن حدیث یاد شده، پاسخ گفته و آن را به دو دلیل، نپذیرفته است.^{۹۴} ۳-۱۰- محمد درویش حوت که در سال ۱۲۷۷ قمری جان سپرد،^{۹۵} پس از بیان واکنش ابن تیمیه و دیگران در برابر حدیث «کنز مخفی»،^{۹۶} یادآور می‌شود، اهل تصوف به خاطر سهل‌انگاری‌ای که به خرج می‌دهند، آن را در شمار «احادیث قدسیه» می‌دانند.^{۹۷}

۳-۱۱- یکی از نویسندگان معاصر نیز که با عنایت به آغاز احادیث شریف نبوی، فهرستی از آنها را فراهم آورده است، دو تعبیر از حدیث مورد بحث را با بیان مصادر آن دو، یادآوری کرده است.^{۹۸} ۳-۱۲- سه تن دیگر از نویسندگان معاصر نیز که گسترده‌ترین اثر را در موضوع احادیث و آثار ضعیف یا موضوع - البته، تحت‌الشعاع سلیقه اهل سنت - گرد آورده‌اند، دو تعبیر از حدیث «کنز مخفی» را یادآوری و به مصادر هر یک از آن دو نیز اشاره کرده‌اند^{۹۹} که افزون بر برخی منابع که تاکنون آنها را نام برده‌ایم، بدین قرارند:

۳-۱۲-۱- ابن تیمیه، *احادیث القصاص*، اول، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۹۲ قمری، ش ۳.^{۱۰۰}
 ۳-۱۲-۲- محمد بشیر ازهری، *تحذیر المسلمین من الاحادیث الموضوعه علی سید المرسلین*، اول، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۵ قمری، ش ۱۴۷.^{۱۰۱}
 ۳-۱۲-۳- زرکشی، *التذکره فی الاحادیث المشتهره (الثالثی المنثوره فی الاحادیث المشهوره)*، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ قمری، ش ۱۳۶.^{۱۰۲}
 ۳-۱۲-۴- جلال‌الدین سیوطی، *ذیل اللثالی المصنوعه*، بی‌جا، هند، المطبع العلوی، ۱۳۰۴ قمری، ش ۲۰۳.^{۱۰۳}

۳-۱۲-۵- سلیم هلالی، *سلسله الاحادیث التی لا اصل لها*، اول، ریاض، دارالصمیعی، ۱۴۱۳ قمری، ش ۲.^{۱۰۴}

۳-۱۲-۶- محمد سندروسی، *الکشف الالهی عن شدید الضعف والموضوع والواهی*، اول، مکه، مکتبه الطالب الجامعی، ۱۴۰۸ قمری، ش ۷۰۸.^{۱۰۵}

- ۳-۱۲-۷- محمد بن عبدالباقی زرقانی، مختصر المقاصد الحسنة فی بیان کثیر من الاحادیث المشتهرة علی اللسنه، سوم، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ قمری، ش ۷۷۷.^{۱۰۶}
- ۳-۱۲-۸- ملا علی قاری، المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع، دوم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۸ قمری، ش ۲۳۲.^{۱۰۷}
- ۳-۱۲-۹- محمد امیر کبیر مالکی، النخبه البهیه فی الاحادیث المکتوبه علی خیر البریه، اول، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۹ قمری، ش ۲۴۵.^{۱۰۸}
- ۳-۱۲-۱۰- نجم‌الدین غزی عامری، اتقان ما یحسن من الاخبار الدائرة علی اللسن، اول، قاهره، الفاروق الحدیثه للطباعة والنشر، ۱۴۱۵ قمری، ش ۱۳۶۸.^{۱۰۹}
- ۳-۱۲-۱۱- محمد بن خلیل قاقجی، اللؤلؤ المرصوع فیما لا اصل له او باصله موضوع، اول، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۱۵ قمری، ش ۴۱۶.^{۱۱۰}
- ۳-۱۲-۱۲- عبدالمتعال جبری، المشتهر من الحدیث الموضوع والضعیف والبديل الصحیح، اول، عابدين مصر، مکتبه وهبه، ۱۴۰۷ قمری، ش ۹.^{۱۱۱}
- ۳-۱۲-۱۳- محمد بن احمد صعدي یمنی، النوافح العطرة فی الاحادیث المشتهره، سوم، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۴ قمری، ش ۱۴۶۷.^{۱۱۲}
- ۳-۱۲-۱۴- عمر بن حسن فلاته، الوضع فی الحدیث، بی‌جا، دمشق و بیروت، مکتبه الغزالی و مؤسسه مناهل العرفان، ۱۴۰۱ قمری، ج ۱، ص ۳۰۵.^{۱۱۳}

۴- حدیث «کنز مخفی» در آثار دیگران

- جدا از اهل کشف و اشاره، مفسران و محدثان یاد شده، دیگران نیز به حدیث «کنز مخفی» یا استناد و یا اشاره کرده‌اند که فهرست نام آنان - به ترتیب و توالی سال درگذشت - بدین شرح است:
- ۴-۱- عمادالدین طبری که در عصر خواجه نصیر، علامه حلی و هلاکوخان مغول می‌زیست،^{۱۱۴} در یک اثر خود که آن را در موضوع فضایل اهل بیت (ع) نگاشته است،^{۱۱۵} حدیث یاد شده را - در لابه‌لای عبارتی نارسا! - «حدیث سماوی» و سخن خدای متعال دانسته است.^{۱۱۶}
- ۴-۲- ابوسعید شیبی سبزواری که تا سال ۷۵۳ قمری در قید حیات بود،^{۱۱۷} در یکی از آثار خود که آن را در موضوع احادیث اخلاقی نوشته، اشاره‌ای گذرا به قطعه «کنت کنزاً مخفیاً» کرده است.^{۱۱۸}
- ۴-۳- کار استناد به حدیث «کنز مخفی» و استفاده از آن، به عالم سیاست و جهانگشایی نیز کشید؛ شاهرخ تیموری که در سال ۸۵۰ قمری جان سپرد،^{۱۱۹} در نامه‌ای که به پادشاه (فغفور) چین نوشت و در آن، نام برده را به پذیرش دین اسلام فراخواند، به حدیث مورد بحث نیز استناد کرد!^{۱۲۰}
- ۴-۴- شیخ بالی حلیفه^{۱۲۱} صوفیه‌وی که در سال ۹۶۰ قمری^{۱۲۲} و یا در سالهای پس از آن درگذشت،^{۱۲۳} حدیث مورد بحث را شرح کرده است.^{۱۲۴}

۴-۵- قاضی نورالله شوشتری، شهید دیار هند در سال ۱۰۱۹ قمری^{۱۲۵} که فقیهی دلرای گرایشهای صوفیانه بوده است،^{۱۲۶} در نامدارترین اثر خود که آن را در حوزه مباحث کلامی و در موضوع امامت نگاشته، برای اثبات غرض در افعال باری تعالی، به چند حدیث قدسی - از جمله، حدیث «کنز مخفی» - استناد کرده است.^{۱۲۷}

البته، محقق کتاب یاد شده و نیز نویسندۀ پانوشتهای آن، مرحوم آیتالله مرعشی نجفی، پس از گزارش سخنان محدثان اهل سنت درباره بی‌پایه بودن این حدیث و نیز تأیید این خدشه و اشکال از سوی برخی دانشمندان شیعه مذهب، شگفتی خود را از این که برخی علما جمله «کنت کنزاً مخفياً...» را سخن رسول خدا(ص) دانسته و آن را شرح کرده‌اند، پنهان نمی‌کند و می‌افزاید: باید در کار برخورد با آنچه گاه حدیث به شمار می‌آید، درنگ و کاوش به خرج داد.^{۱۲۸}

۴-۶- محمدتقی مجلسی، فقیه عصر صفویه و درگذشته به سال ۱۰۷۰ قمری^{۱۲۹} که در میان مردم، به داشتن گرایشهای صوفیانه مشهور شده بود،^{۱۳۰} در یک اثر فقهی - حدیثی خود و در مقام شرح دعایی منقول از امام باقر(ع)، حدیث «کنز مخفی» را سخن خداوند متعال برمی‌شمارد.^{۱۳۱}

۴-۷- محمد باقر مجلسی، فقیه سالهای پایانی سلطنت صفویان و درگذشته سال ۱۱۱۰ قمری،^{۱۳۲} در گسترده‌ترین اثر حدیثی شیعه، یک بار حدیث «کنز مخفی» را - به نقل از پدرش، محمدتقی مجلسی - سخن خدای متعال می‌داند^{۱۳۳} و بار دیگر، با تعبیر «زوی» که بوی عدم اعتماد به صحت صدور حدیث مورد بحث را می‌دهد، از آن یاد می‌کند.^{۱۳۴}

۴-۸- مستشرق مجارستانی درگذشته در سال ۱۳۴۰ قمری (= ۱۹۲۱ میلادی)^{۱۳۵} نیز حدیث مورد بحث را در میان صوفیه، هم راجع و متداول و هم مورد اسناد و استناد می‌داند.^{۱۳۶}

۴-۹- جالب آن است که حتی عباس افندی، پسر ارشد میرزا حسینعلی نوری و معروف به عبدالبهاء که در سال ۱۳۴۰ قمری جان سپرد^{۱۳۷} نیز حدیث موضوع بحث را براساس سلیقه خود که همان گرایش بهائیت است، تفسیر کرده است!^{۱۳۸}

۴-۱۰- میرزا موسی مجتهد طبیب (درگذشته؟) نیز تفسیر ابن عربی را بر حدیث «کنز مخفی» نقد کرده است.^{۱۳۹}

۴-۱۱- شرحی از حدیث مورد بحث نیز در کتابخانه انجمن ایران و فرانسه نگهداری می‌شود که شاید اثر نجم‌الدین دایه رازی باشد.^{۱۴۰} این شرح صرفاً به مباحث مربوط به متن حدیث «کنز مخفی» و اشکالات وارد بر آن پرداخته و سخنی از سند آن به میان نیاورده است.^{۱۴۱}

۴-۱۲- از شرحی گمنام بر حدیث موضوع بحث نیز یاد کرده‌اند که در فهرست دانشگاه تهران و آستان قدس رضوی می‌توانش یافت.^{۱۴۲}

۴-۱۳- فهرست‌نگار برجسته شیعه نیز از شرح حدیث «کنت کنزاً مخفياً...» که «الاعیان الثابتة» نامیده می‌شود و در سال ۱۳۱۵ قمری، همراه کتاب «کلمات المحققین» چاپ شده، خبر داده است.^{۱۴۳}

۴-۱۴- در این مسیر، همچنین، از کتابهایی چون *منتهی المدارک*، نوشته سعدالدین فرغانی،^{۱۳۴} نسخه خطی کتاب *روضه التعریف*^{۱۳۵} و نیز نسخه خطی رساله‌ای از ابن تیمیه در موضوع احادیث دروغین و سست،^{۱۳۶} نام برده می‌شود. احتمال دارد، رساله اخیرالذکر همان *احادیث القصاص* باشد که نخستین اثر در موضوع نگارش خود به شمار می‌رود و در حروفچینی جدید و احیا شده‌اش، ۱۵۲ صفحه است.^{۱۳۷}

پی‌نوشتها:

۱. و چه شاهدهی بهتر از این سخن شیخ ابوسعید ابوالخیر، صوفی نامدار اوایل قرن پنجم که هم کوتاه است و هم گویا: «كان التصوف المأ، فصار قلماً»؛ تصوف، نخست درد بود و سپس، قلم شد! (نک: محمد بن منور مبهنی، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱ شمسی، ص ۳۱۲).
۲. اشاره به رجزهای صوفیانه‌ای چون:
عقل در راه عشق نایبناست عاقلی کار بوعلی سیناست
پسای استدالیان چوبین بود پای چوبین سخن بی‌تمکین بود
۳. محیی‌الدین بن العربی، التجلیات الالهیه، بی‌جا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ شمسی، ص ۱۸۴، پانویشت شماره ۲۶۷.
۴. کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ایرانشهر، بی‌جا، تهران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۴۲ شمسی، ج ۱، ص ۴۰۹-۴۱۰.
۵. همان، ص ۴۱۰.
۶. همان.
۷. ابوعبدالله ذهبی، سیر اعلام النبلاء، چهارم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ قمری، ج ۲۲، ص ۱۱۳.
۸. همان، ص ۱۱۱-۱۱۴.
۹. در ضبط این کلمه، ناهمگونیهایی به چشم می‌آید؛ ذهبی آن را با کسر خاء، سکون یاء و فتح واو ثبت کرده (همان، ص ۱۱۱)، اما یساقوت حموی آن را در معجم البلدان، بی‌جا، بیروت، دار صادر، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۵، با فتح خاء ضبط کرده، کسر آن را نه چندان محکم و متین دانسته است. ابو هاجر محمد سعید بن بسیونی زغلول، محقق کتاب العبر فی خبر من غیره، نوشته ابوعبدالله ذهبی، بی‌جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا، آن را در ج ۳، ص ۱۷۷ کتاب یاد شده، با ضم خاء - و قهراً ضم یاء - ثبت کرده، اما با اعتراض و تخطئه محققان کتاب سیر اعلام النبلاء (همان، ص ۱۱۱، پانویشت شماره ۲) مواجه شده است. خیرالدین زرکلی نیز در الاعلام، دهم، بیروت، دارالمعلم للملایین، ۱۹۹۲ میلادی، ج ۱، ص ۱۸۵، آن را با کسر خاء دانسته است.
۱۰. محمدتقی دانش‌پژوه، مجله جاویدان خرد، سال سوم، شماره اول، مقاله «شرح حدیث کنت کنزاً مخفیاً»، ص ۲۷. البته، همین‌جا باید یادآوری کنم، عین القضاة همدانی که در سال ۵۲۵ قمری کشته شد (نک: محمد معین، فرهنگ فارسی، هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ شمسی، ج ۵، ص ۱۲۲۷)، سالها پیش از کشته شدن شیخ نجم‌الدین کبری، در چند جای یکی از آثار خود، به حدیث مورد بحث اشاره کرده است (نک: عین القضاة همدانی، رساله لوابیح، بی‌جا، تهران، کتاب خانه منوچهری، بی‌تا، ص ۱۰، ۳۶، ۵۵ و ۱۲۵) و روزبهان بقلی شیرازی نیز که در سال ۶۰۶ قمری درگذشت (نک: خیرالدین زرکلی، همان، ج ۳، ص ۳۵)، در یکی از نوشته‌های خود، دو بار اشاره‌ای گذرا به پاره‌ای از حدیث یاد شده، داشته است (نک: روزبهان بقلی شیرازی، شرح شطحیات، دوم، تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، ۱۳۶۰ شمسی، ص ۱۶ و ۱۶۶).
۱۱. خیرالدین زرکلی، همان، ج ۶ ص ۲۸۱.
۱۲. محمدتقی دانش‌پژوه، پیشین.
۱۳. نجم‌الدین کبری، الاصول المشره، اول، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۳ شمسی، ص ۸۳.
۱۴. محیی‌الدین بن العربی، پیشین، ص ۱۸۴ و ۱۹۲.
۱۵. همو، الفتوحات المکیه، بی‌جا، قاهره، الهيئة المصریة العامة للکتاب، ۱۴۰۸ قمری، ج ۱۲، ص ۵۷۴ ...

۱۶. همو، فصوص الحکم، اول، تهران، انتشارات الزهراء ۱۳۶۶ شمسی، ص ۲۰۳.
۱۷. محمد معین، پیشین، ص ۹۱۱.
۱۸. شمس‌الدین تبریزی، مقالات شمس تبریزی، بی‌جا، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۳۹ شمسی، ص ۱۷۰.
۱۹. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۴، ص ۱۲۵.
۲۰. نجم‌الدین رازی، مرصاد العباد، دوم، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۵ شمسی، ص ۲.
۲۱. محمد معین، پیشین، ج ۶، ص ۲۰۴۸.
۲۲. جلال‌الدین رومی، مجالس سبمه، اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵ شمسی، ص ۱۱۹.
۲۳. همان، ص ۱۲۱.
۲۴. رینولد الین نیکلسون، شرح مثنوی معنوی مولوی، با ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ شمسی، ج ۱، ص ۳۹۹.
۲۵. بدیع‌الزمان فروزانفر، احادیث مثنوی، دوم، تهران، امیرکبیر، بی‌تا، ص ۲۸.
۲۶. همان، ص ۲۹.
۲۷. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۶، ص ۳۰.
۲۸. صدرالدین قنوی، اعجاز البیان فی تأویل أم القرآن، اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ شمسی، ص ۹۹ و ۲۵۸.
۲۹. همان، ص ۱۶۰ و ۲۴۶.
۳۰. مؤیدالدین جندی، شرح فصوص الحکم، بی‌جا، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۶۱ شمسی، مقدمه، صفحه «سی و هشت».
۳۱. همان، دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ شمسی، ص ۲۵ و ۲۸۵.
۳۲. همان، ص ۲۵.
۳۳. همان، ص ۱۳۲، ۱۳۷، ۲۵۷ و ۲۷۹.
۳۴. ابوالمفاخر باخرزی، اورد الاحیاب ونصوص الأداب، بی‌جا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ شمسی، مقدمه، ص ۲۶.
۳۵. همان، ص ۲۵۰.
۳۶. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۰.
۳۷. سید حیدر آملی، تفسیر المحيط الاعظم والبحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، اول، قم، مؤسسه فرهنگی و نشر نور علی نور، ۱۳۲۲ قمری، ج ۱، ص ۳۳۳.
۳۸. همان، ج ۲، ص ۲۵۵ و ۲۵۶.
۳۹. همان، ج ۳، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۴۰. همان، ص ۱۳۳ و ۱۲۵.
۴۱. همان، ص ۱۳۷.
۴۲. همو، جامع الاسرار و منبع الانوار، دوم، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۶۸ شمسی، ص ۱۰۲، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱

۵۱. معین‌الدین فراهی هروی، تفسیر حدائق الحقائق، بی‌جا، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا، مقدمه، صفحه «دوازده».
۵۲. همان، ص ۹۴ و ۴۶۹.
۵۳. دهدار شیرازی، رسائل دهدار، اول، تهران، نشر نقطه و دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵ شمسی، مقدمه، ص ۱۲.
۵۴. همان، ص ۵۵.
۵۵. همان، ص ۲۰۷.
۵۶. میرزا امل‌بیگ لعلی بدخشسی، ثمرات القدس من شجرات الانس، اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶ شمسی، مقدمه، صفحه «پنجاه و سه».
۵۷. همان، ص ۳۲۱.
۵۸. سلطان محمد گنابادی، بیان السعادة فی مقامات العباده، دوم، بیروت، مؤسسة الاعلیٰ للمطبوعات، ۱۴۰۸ قمری، مقدمه، صفحه «ه».
۵۹. همان، ج ۴، ص ۱۱۶.
۶۰. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۶ ص ۳۱۳.
۶۱. ابو عبدالله ذهبی، پیشین، ص ۱۱۲.
۶۲. فخر رازی، التفسیر الکبیر، اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ قمری، ج ۱۰، ص ۱۹۴.
۶۳. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۷، ص ۱۷۶.
۶۴. سید محمود آلوسی بندادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۱-۲۲ و ۲۶.
۶۵. همان، ص ۲۱.
۶۶. همان، ص ۲۲.
۶۷. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۸.
۶۸. احمد مصطفی مراغی، تفسیر المرآغی، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵ میلادی، ج ۲۷، ص ۱۳.
۶۹. محمدجواد مغنیه، التفسیر الکاشف، اول، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۰ میلادی، ج ۷، ص ۱۵۹.
۷۰. دکتر وهبه زحلی، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، اول، دمشق و بیروت، دارالفکر و دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ قمری، ج ۲۷، ص ۴۸.
۷۱. جمعی از محققان و مؤلفان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ شمسی، ج ۳، ص ۱۷۳ و ۱۷۴ (مدخل «ابن تیمیة»، اثر عباس زریاب).
۷۲. همان، ص ۱۷۷.
۷۳. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۶ ص ۱۹۴.
۷۴. محمد بن عبدالرحمن سخاوی، المقاصد الحسنة فی بیان کثیر من الاحادیث المشتهرة علی الالسنه، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ قمری، ص ۳۳۲.
۷۵. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۷.
۷۶. ابوالحسن سمهودی، النفاذ علی اللماز، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ قمری، ص ۱۷۳.
۷۷. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۱.
۷۸. جلال‌الدین سیوطی، الدرر المنتثرة فی الاحادیث المشتهرة، بی‌جا، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ قمری، ص ۲۲۷.
۷۹. خیرالدین زرکلی، پیشین، ص ۳۱۸.
۸۰. عبدالرحمن بن علی شیبانی شافعی، تمییز الطیب من الخبیث فیما یدور علی السنة الناس من الحدیث، سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۹ قمری، ص ۱۴۲.
۸۱. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۶ ص ۳۹۱.
۸۲. محمد بن طولون صالحی، الشذرة فی الاحادیث المشتهرة، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ قمری، ج ۲، ص ۵۱.

- ۸۳ خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۵، ص ۱۲.
- ۸۴ علی بن محمد کنانی، تنزیه الشریعة المرفوعة عن الاخبار الشیعة الموضوعه، دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۱ قمری، ج ۱، ص ۱۴۸.
- ۸۵ خیرالدین زرکلی، پیشین.
- ۸۶ ملا علی قاری، الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعه (الموضوعات الکبری)، دوم، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۶ قمری، ص ۲۶۹.
- ۸۷ همان.
- ۸۸ همان، پانوشت شماره ۶.
- ۸۹ خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۳۲۵.
- ۹۰ اسماعیل بن محمد عجلونی، کشف الخفاء ومزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنة الناس، پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸ قمری، ج ۲، ص ۱۷۳.
- ۹۱ همان.
- ۹۲ آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، بی‌جا، نجف، بی‌نا، ۱۳۷۷ قمری، ج ۱۰، ق ۲، ص ۷۷۸.
- ۹۳ سید عبدالله شبر، مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار، دوم، بیروت، مؤسسه النور للطبوعات، ۱۴۰۷ قمری، ج ۲، ص ۳۰۵.
- ۹۴ همان.
- ۹۵ خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۷، ص ۷۴.
- ۹۶ محمد درویش حوت، اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب، دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۳ قمری، ص ۲۴۳.
- ۹۷ همان.
- ۹۸ ابو هاجر محمد سعید بن بسینی زغلول، موسوعة اطراف الحدیث النبوی الشریف، اول، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر و دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ قمری، ج ۷، ص ۵۰۷.
- ۹۹ علی حسن علی حلبی، دکتر ابراهیم طه قیسی و دکتر حمده محمد مراد، موسوعة الاحادیث والآثار الضعیفة والموضوعه، اول، ریاض، مکتبه المعارف للنشر والتوزیع، ۱۴۱۹ قمری، ج ۷، ص ۴۴۶-۴۴۷.
- ۱۰۰ همان، ج ۱، ص ۳۰ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۱ همان، ج ۱، ص ۳۳ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۲ همان.
- ۱۰۳ همان، ج ۱، ص ۳۷ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۴ همان، ج ۱، ص ۳۸ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۵ همان، ج ۱، ص ۴۱ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۶ همان، ج ۱، ص ۴۳ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۷ همان.
- ۱۰۸ همان، ج ۱، ص ۴۶ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۰۹ همان، ج ۱، ص ۲۹ و ج ۷، ص ۴۴۶.
- ۱۱۰ همان، ج ۱، ص ۴۲ و ج ۷، ص ۴۴۷.
- ۱۱۱ همان، ج ۱، ص ۴۳ و ج ۷، ص ۴۴۷.
- ۱۱۲ همان، ج ۱، ص ۴۶ و ج ۷، ص ۴۴۷.
- ۱۱۳ همان، ج ۱، ص ۴۷ و ج ۷، ص ۴۴۷.
- ۱۱۴ خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، بی‌جا، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۱ و ۲۶۲.
- ۱۱۵ همان، ص ۲۶۲.
- ۱۱۶ عمادالدین طبری، کامل بهائی، بی‌جا، تهران، مکتب مرتضوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴.

۱۱۷. سید محسن امین، پیشین، ج ۵ ص ۵۱.
۱۱۸. ابوسعید شیمی سبزواری، مصابیح القلوب، اول، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳ شمسی، ص ۱۹۳.
۱۱۹. محمد معین، پیشین، ص ۸۷۸.
۱۲۰. ایگناس گلذیه‌ر، مذاهب التفسیر الاسلامی، بی‌جا، قاهره و بغداد مکتبه الخانجی و مکتبه المثنی، ۱۳۷۴ قمری، ص ۲۵۰، پانوش شماره ۲.
۱۲۱. یکی از پژوهشگران معاصر، این کلمه را «خلیفه» ضبط کرده است؛ نک: عمررضا کحاله، معجم المؤلفین، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۸.
۱۲۲. همان.
۱۲۳. حاجی خلیفه، کشف الظنون، بی‌جا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۴۰.
۱۲۴. همان و عمررضا کحاله، پیشین.
۱۲۵. سید محسن امین، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۲۸.
۱۲۶. میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء بی‌جا، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ قمری، ج ۵ ص ۲۶۵.
۱۲۷. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق وازهاق الباطل، بی‌جا، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۰-۳۳۱.
۱۲۸. همان، ص ۳۳۱، پانوش شماره ۲.
۱۲۹. سید محسن امین، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۲.
۱۳۰. میرزا محمد تنکابنی، قصص العلماء دوم، تهران، انتشارات علمیة اسلامیة، ۱۳۶۴ شمسی، ص ۲۳۲.
۱۳۱. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین، بی‌جا، تهران (۲) بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۰۹-۷۱۰.
۱۳۲. سید محسن امین، پیشین، ص ۱۸۲.
۱۳۳. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ قمری، ج ۸۴، ص ۱۹۹.
۱۳۴. همان، ص ۳۴۴.
۱۳۵. خیرالدین زرکلی، پیشین، ج ۱، ص ۸۴.
۱۳۶. ایگناس گلذیه‌ر، پیشین.
۱۳۷. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ شمسی، ج ۹، ص ۱۲۸۳۹-۱۲۸۴۰.
۱۳۸. ایگناس گلذیه‌ر، پیشین.
۱۳۹. محمدتقی دانش‌پژوه، پیشین.
۱۴۰. همان.
۱۴۱. همان، ص ۲۸-۳۱.
۱۴۲. همان، ص ۲۷.
۱۴۳. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعه، دوم، بیروت، دار الاضواء بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۰۵ و ج ۱۸، ص ۱۱۸.
۱۴۴. سید محمود اوسی بغدادی، پیشین، ص ۲۱.
۱۴۵. محیی‌الدین بن العربی، التجلیات الالهیه، پیشین، ص ۱۸۴، پانوش شماره ۲۶۷.
۱۴۶. همان.
۱۴۷. علی حسن علی حلبی و...، پیشین، ج ۱، ص ۸۱-۸۲.



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی